

است. ولی در جوامع غربی بر اصالت فرد تکیه شده و منافع شخصی در اولویت است. این نگاه غرب به خانواده موجب مسائل و مشکلات فراوانی در جوامع آنان گردیده است. در این راستا آنچه در تعریف خانواده از نگاه غرب شده است، تفاوت عمده‌ای با دیدگاه اسلام دارد.

نمونه‌هایی از نگاه اندیشمندان غرب به خانواده

روسو: تحقیر خانواده، ثروت، ثروتمندان و در واقع تمام عوامل خودجوش اقتدار در جامعه طبیعی به وسیله روسو به قدری شدید بود که خواست نظام برابری جوانه اجباری را جایگزین آن‌ها کند. او می‌خواست به جای خانواده خصوصی خانواده دولتی با آرمان‌های اشتراکی و یکسان پدید آورد. (گاردنر، ۱۳۸۶: ۹۹)

کیت میلر (فمینیسم رادیکال): او معتقد است که خانواده نهادی ستمگر است. زنان ملک مردان و برده صرف هستند. خانواده باید از بین برود و مراقبت از کودکان به‌طور قطع بهتر است که به‌جای افراد آزاده و اغلب ناخرسند (والدین) به کارورزان کاملاً تعلیم دیده از هر دو جنس واگذار شود. (همان: ۱۰۳-۱۰۰)

زمانی که در جامعه غرب چنین جریان‌ها و تفکرانی به‌وجود آمد دولت نیز به تدوین قوانین پرداخت که به‌گونه‌ای ضد خانواده بود، مثل:

۱. زوج‌هایی که بدون ازدواج با هم زندگی می‌کنند همان مالیاتی را می‌پردازند که زوج‌های ازدواج کرده می‌پردازند.
۲. مزایای رفاهی را از متأهلان دریغ می‌کنند.
۳. به هم‌جنس‌بازان همان مزایای افراد متأهل اعطا می‌شود.
۴. به زنان جوان برای زایمان و نگهداری از کودکان نامشروع یارانه پرداخت می‌شود.

نگاه اسلام به خانواده

اما نگاه اسلام به خانواده به‌گونه‌ای دیگر است. این‌سینا در تألیفات خود به بیان اهمیت خانواده و ارکان آن، چگونگی روابط میان زن و شوهر و نیز والدین و فرزندان می‌پردازد. وی اهداف تشکیل خانواده را انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، محبت و آرامش و رفع نیازهای جنسی دانسته است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نظریاتی در



مقایسه سبک

زندگی اسلامی

و غربی

ستاره دبیرخانی

دانشجوی دانشگاه فرهنگیان مشهد

چکیده

از مهم‌ترین اصول شرعی دین اسلام و دیگر ادیان الهی، تشکیل خانواده و ازدواج با فردی از جنس مخالف است. ازدواج در بردارنده نوعی تعهد بین زن و مرد و یکی از اهداف آن تولیدمثل است. بنابراین ازدواج و تشکیل خانواده خارج از این محدوده یعنی بین دوزن یا دو مرد، انحراف از قانون طبیعی است و انسان را از تکامل بازمی‌دارد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، همزیستی، فرزند، آرامش، غرب، خانواده دوستی

از دیدگاه اسلام خانواده شرعی خانواده‌ای است که زن در دوره زمان معین تنها با یک مرد وابستگی زوجی دارد و در نتیجه خانواده‌هایی تحت عنوان همزیستی هم‌جنس‌گرایان، ازدواج‌های قراردادی غیرزیستی و افرادی که نه به‌عنوان زن و شوهر بلکه به‌طور موقت با هم زندگی می‌کنند و حتی ممکن است در همان زمان با مرد یا زن دیگری روابط جنسی داشته باشند از دیدگاه اسلام روندی ناهنجار و غیرطبیعی محسوب می‌شود، زیرا نمی‌توانند حد قابل قبولی از اهداف اسلام در ازدواج و تشکیل خانواده را تأمین کنند.

در اسلام رابطه انسان با خدا به‌عنوان محور اصلی تمامی امور نگریسته شده و مبنای همه دستورات



وجود دارد که زندگی بدون بچه را در افراد تشویق می‌کنند.

۷. خانواده‌هایی با پدران و مادران حرفه‌ای: خانواده‌هایی هستند که در آن پدران و مادران حرفه‌ای نقش پدر و مادر و خویشاوندان را برای کودکان بازی می‌کنند و در برابر نگهداری و سرپرستی از آن‌ها دستمزد دریافت می‌کنند.

۸. خانواده تک‌همسر: در غرب نوعاً اصل بر تک‌همسری است. اما عملاً چندهمسری در چهره فحشا و رقیقه‌داری چندشوهری و نیز به صورت کمونیسیم جنسی، و روابط معاشرتی آزاد با زنی دیگر در حضور او به اسم معشوقه دیده می‌شود. (قائمی، بنیاد خانواده در اسلام و غرب: ۵۶۹)

لذا مشاهده می‌شود زن در غرب امروزی به جای اینکه الگویی برای فرزندان خود باشد و با حضور در خانواده به این کانون آرامش و گرمی بخشد به مدل تبلیغاتی سرمایه‌داران غربی تبدیل شده است. (بافکار، ۱۳۸۵: ۵۴-۵۲)

تا قبل از انقلاب صنعتی در غرب، محیط خانواده لطف و صفای ویژه‌ای داشت. مردان برای تأمین معیشت به کارهای خارج می‌پرداختند و زنان تربیت و پرورش کودکان خویش را بر همه چیز ترجیح می‌دادند و فعالیت‌های آنان از محیط خانواده تجاوز نمی‌کرد. اما با صنعتی شدن و ایجاد مراکز صنعتی، ادارات دولتی، تجارت‌خانه‌ها و... زنان کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان آنان را بر مردان سرکش با دستمزد سنگین‌تر ترجیح می‌دادند. اصولاً «آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است». (مطهری، نقل از ویل دورانت، ۱۳۶۹: ۱۹)

در رابطه خویشاوندی در غرب باید گفت که خانواده غربی پیش از انقلاب صنعتی نه تنها فرزندان متعدد بلکه افراد دیگری مانند پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، عمه‌ها، عموها و... را در برمی‌گرفت. اما انقلاب صنعتی نه تنها خانواده را محدود کرد بلکه رابطه خویشاوندی را نیز از بین برد و هنجارهای مربوط به آن را تضعیف کرد. (بافکار، ۱۳۸۵: ۵۴-۵۲)

خانواده در جامعه اسلامی

اما اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی

این باره ارائه کرده است: آفرینش انسان به صورتی است که زن و مرد در ساختمان طبیعی بدن، مکمل یکدیگرند و هریک به تنهایی ناقص و محتاج دیگری است. این نیاز و احتیاج موجب می‌شود که زن و مرد به سوی یکدیگر حرکت کنند و به این طریق، سکونت و آرامش یابند و این امر از بزرگ‌ترین و آشکارترین نعمت‌ها و موهبت‌های عالم طبیعت است.

جایگزین‌های نهاد خانواده در غرب

براساس آنچه در تعریف خانواده از نگاه غرب عنوان شد الگوهایی برای جایگزینی این نهاد مقدس عنوان شده است. این الگوها عبارت‌اند از:

۱. هم‌خانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج، یعنی هر یک از دو نفر خود اقدام به انتخاب می‌کنند، در انتخاب هر یک از آن‌ها فرد دیگری مثل والدین دخالت ندارد و مهم‌ترین عامل همسرگزینی، تطبیق فرد با ایده‌آل‌های عشقی خود است. (بستان، ۱۳۸۵: ۶۱)

۲. کمون‌ها یا اجتماعات اشتراکی: این اجتماعات اشتراکی مشتمل بر تعدادی مرد و زن است که با یکدیگر ارتباط جنسی مشترک دارند و به‌گونه‌ای نفی هرگونه سلطه و قدرت در روابط زن و مرد و نفی احساس مالکیت و رقابت از انگیزه‌های اصلی این نوع از زندگی است. (همان: ۶۳-۶۱)

۳. هم‌جنس‌گرایی (زن و مرد): در صورتی که با یکدیگر تشکیل خانواده دهند، باز هم یک نفر نقش زن و یک نفر، نقش مرد را ایفا می‌کند. این مسئله نشانگر این است که نیاز روحی به جنس مخالف هنوز وجود دارد و این یک انحراف بیش نیست.

۴. خانواده ناتنی: خانواده ناتنی که در آن پدر خانواده یا مادر خانواده یا هر دو ناتنی هستند. (همان: ۵۹-۶۰)

۵. خانواده ناقص یا تک‌سرپرست: در این نوع خانواده‌ها یکی از دو همسر در اثر مرگ یا طلاق حضور ندارد و سرپرستی خانواده تنها بر عهده همسر دیگر است.

۶. خانواده‌های بی‌فرزند: در غرب تعداد زوج‌هایی که مایل به داشتن بچه نیستند رو به افزایش است. در این کشورها، سازمان‌هایی





در درون دنیای به ظاهر زیبای غرب، پوسیدگی و از هم پاشیدن خانواده‌ها، بی‌عاطفگی‌ها، مفسد اخلاقی، فرزندان نامشروع، طلاق‌های روزافزون، سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان، زنا با محارم، خیانت همسران به یکدیگر، افزایش آمار مجردان،... نهفته است.

این همه نارسایی، بیانگر تهی گشتن فرهنگ غرب از معنویت و به انزوا کشیده شدن دین است. غرب به لحاظ صنعتی و نظم خشک در امور جاری بسیار پیشرفته است. اما نیاز انسان که فقط به این مسائل ساده اجتماعی نیست.

کنار گذاشته شدن خدا و پررنگ شدن حیوانیت انسان موجب می‌شود که انسان‌ها به یکدیگر ضرر برسانند. اما در نگاه دینی، با وجود خدا، حیوانیت انسان کنترل می‌شود، چرا که قوانین اسلام همه‌جانبه‌نگر است. این الگو می‌تواند برای تمام جوامع بشری معرفی شود چه دینی و چه غیردینی. تنها راه نجات بشریت و خانواده «اسلام» است. از این‌رو اسلام در جهت اصلاح این وضع و سروسامان بخشیدن به حیات خانواده اقداماتی را به شرح ذیل بیان نموده است: ۱. کنترل معاشرت‌ها و هوسبازی‌ها و عیاشی‌ها ۲. القای ایدئولوژی و اندیشه‌آهمیت و فداست خانواده از طرق گوناگون. ۳. کوشش به پایبندکردن نسل جوان به تعلیمات مذهبی و اخلاقی و لاقیل انسانی.

منابع

قرآن کریم

۱. بستان نجفی، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، موسسه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ نهم، ۱۳۸۵.
۲. بافکار، حسین، کانون مهر (ویژه خانواده)، مرکز پژوهش‌های صداوسیما، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳. حر عاملی، محمدبن حسین، وسائل‌الشیعه، (بی‌تا)، (بی‌جا)
۴. قائمی، علی، نشریه بنیاد خانواده در اسلام و غرب
۵. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، نشر صدرا، تهران، ۱۳۶۷.

می‌کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می‌دهند. ازدواجی که در نگاه قرآن با عوامل مودت و رحمت و سکونت شکل می‌گیرد. (و از نشانه‌های خدا این است که برای شما از جنس خودتان جفتی آفرید تا در کنار او آرامش پیدا کنید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد).

برخلاف جوامع غربی که آسیب‌های فراوانی را بر پیکره خانواده وارد ساختند در مقابل، اسلام با توجه به جایگاه خانواده و تأثیر آن در سرنوشت حیات فردی و اجتماعی او، نگاه ویژه‌ای به این مسئله داشته و در این راستا دستورات و راهکارهای نجات‌بخش خود را در قالب احکام فقهی و عقیدتی بیان نموده است تا از این راه مانع بروز بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها به این نهاد مقدس شود. لذا الگوهای خانواده در اسلام به این موارد خلاصه می‌شود:

۱. خانواده تک‌همسری: در این خانواده‌ها که در بین مسلمانان غالب است مرد با یک همسر زندگی می‌کند.

۲. خانواده چندهمسری: در آن یک مرد می‌تواند هم‌زمان با بیش از یک تا حداکثر چهار زن زندگی زناشویی داشته باشد و همه زنان در حقوق همسری برابرند. (حر عاملی، ۸۰-۹۳)

۳. خانواده‌های ازدواج موقت (مُتعه): در این ازدواج پس از گذشت دوره زمانی معین، زن و مرد خود به خود از هم جدا می‌شوند و نیازی به طلاق نیست و از آنجا که ازدواج دائم در بیشتر جوامع برای افرادی امکان‌پذیر نیست اسلام با رعایت سایر نکات، از جمله حقوق و نیازهای عاطفی همسر دائمی و خانواده، ازدواج موقت را راه‌حلی می‌داند تا افراد را از فروپاشی خانواده باز دارد. نکته مهم اینجاست که استفاده نشدن از این قانون یکی از عوامل آزادی روابط جنسی در جوامع غربی شده است.

زن در اسلام از آزادی و اراده کامل در تعیین سرنوشت خویش برخوردار است و حتی بنا بر تصریح فقها می‌تواند بسیاری از خواسته‌های خود را از جمله فرصت تحصیل و اشتغال در خارج از منزل را در ضمن عقد نکاح شرط کند و شرطش نیز نافذ است.

با توجه به مطالعه انجام شده، از بین رفتن عاطفه و محبت و پشت کردن به دین و مسائل معنوی، از مهم‌ترین عوامل فروپاشی خانواده در غرب است.